

۱۰ استان میزبان سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر



سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر علاوه بر تهران در ۱۰ استان و در منطقه آزاد اروند نیز برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر، علی مومنین، مدیر کمیته استان‌های این جشنواره گفت: استان‌های بوشهر، زنجان، گلستان، سیستان و بلوچستان، لرستان، خوزستان، کرمانشاه، منطقه آزاد اروند، آذربایجان شرقی، خراسان شمالی و فارس برای برگزاری جشنواره دوره سی و پنجم موسیقی فجر اعلام آمادگی کرده‌اند. مومنین در ادامه گفت: در تعدادی از استان‌های سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر با اجرای گروه‌های استانی بر اساس فراخوان‌هایی که در استان‌ها اعلام شده است، برگزار می‌شود و در برخی استان‌ها گروه‌های حاضر در جشنواره در استان برنامه‌اجرامی کنند. ستادسی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر مهر مادر نامهای به استان‌ها خواست در صورت تمایل برای برگزاری سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر آمادگی خود را اعلام کنند که ۱۰ استان و منطقه آزاد اروند برای برگزاری جشنواره اعلام آمادگی کرده‌اند.

خوانندگان پاپ جشنواره موسیقی فجر معرفی شدند

۹ گروه پاپ ۱۶ اجرا



خوانندگان حاضر در بخش پاپ سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر معرفی شدند، امسال در بخش پاپ سی و پنجمین دوره جشنواره موسیقی فجر ۹ گروه ۱۶ اجرا حضور دارند. بردان (آرش و مسیح عدل پرور)، امید حاجیلی، علی یاسینی، رضا بهرام، محسن ابراهیمزاده، امیرعباس گلاب، ماکان (رهام هادیان و امیر مقاره)، آرون افشار، سیروان خسروی و بهنام بانی در سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران اجرا می‌کنند.

اجراهای بخش پاپ سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر در دو سانس ساعت ۱۸:۳۰ و ۲۱:۳۰ در هر روز برگزار می‌شود که گروه بردان (آرش و مسیح عدل پرور)، روز چهارشنبه ۲۳ بهمن دواجر، امید حاجیلی و علی یاسینی در ۲۴ بهمن به ترتیب در سانس نخست و دوم، رضا بهرام ۲۵ بهمن دواجر، محسن ابراهیمزاده ۲۶ بهمن دواجر، امیرعباس گلاب و گروه ماکان (رهام هادیان و امیر مقاره) در ۲۷ بهمن به ترتیب در سانس نخست و دوم، آرون افشار ۲۸ بهمن دواجر، سیروان خسروی ۲۹ بهمن دواجر و بهنام بانی اول اسفند ماه دواجر آرو صحنه می‌روند.

به‌گزارش خبرگزاری تسنیم، دبیرخانه سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر آبان‌ماه در نامه‌ای به سایت‌های بیت فروششی اجراهای موسیقی، طرح‌های پیشنهادی و شرایط آنها را برای فروش بیت خواستار شد که بعد از بررسی شرایط از نظر خدمات و پشتیبانی فنی و قیمت‌های پیشنهادی، دو سایت تیوال و پارس بیت برای فروش بیت‌های جشنواره انتخاب شدند. همچنین جدول سایر اجراهای سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر در این هفته منتشر و بیت‌فروشی آنها آغاز می‌شود. سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر در تهران و شهرهای منتخب کشور از تاریخ ۲۴ تا ۲۰ بهمن ماه برگزار می‌شود. در تهران تالارهای وحدت، رودکی، سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران، فرهنگسرای نیاوران، برج آزادی و تالار سوره میزبان جشنواره هستند.

فکر اساسی ساختن ارکستر سمفونیک تهران در اشل جهانی است. و برای این کار نیز باید به کسانی اندیشید که علاوه بر سوابق تحصیل در رشته رهبری ارکستر، رزومه فیک ندارند و در هدایت و رهبری ارکستر سمفونیک‌های جهان سوابق جدی داشته‌اند. سوابقی روشن و قابل استناد

سمفونیک تهران در اشل جهانی است. و برای این کار نیز باید به کسانی اندیشید که علاوه بر سوابق تحصیل در رشته رهبری ارکستر، رزومه فیک ندارند و سوابق جدی در هدایت و رهبری ارکستر سمفونیک‌های جهان داشته‌اند. سوابقی روشن و قابل استناد.

راه حل: انتصاب رهبر شایسته مادام‌العمر

برخی دلسوزان اهالی موسیقی به درستی پیشنهاد انتصاب رهبری شایسته برای ساختن ارکستر سمفونیک تهران را می‌دهند. تنها در صورتی که مجموعه بنیاد رودکی و وزارت ارشاد به گزینهای حرفه‌ای، دارای کارنامه روشن و برخوردار از تجربه و اعتبار بین‌المللی بیندیشند می‌توانند ارکستر قوی‌ای همانند یک ارش مقتدر بسازند. لازم‌ه ساختن و باروری چنین ارکستر قوی و توانایی شرایطی را ایجاد می‌کنند: جمله:

۱- سپردن رهبری دائم ارکستر به همراه مدیریت هنری و فنی مادام‌العمر به فرد گزیده.

۲- اعطای اختیار تام در کلیه امور ارکستر و نوازندگان و برنامه‌های اجرایی ارکستر به رهبر ارکستر. ۳- تصویب حقوق کارکنان و نوازندگان ارکستر به‌عنوان کارمندان دولت با سطح حقوق بالاتر از اشل کارگری و روزمزدی و یا ساعتی به‌صورت ماهانه با عقد قرارداد کار به‌صورت سالانه و موظف بودن وزارت ارشاد به پرداخت ماهانه آن بدون تعویق.

۴- اولویت دادن به نظر رهبر دائم در انتصاب اعضای شورای مشورتی ارکستر و کارکنان همکار جهت رتق وفتق امور ارکستر از کارهای خدماتی و اداری و مالی تا... ۵- تغییر مدیریت‌های بنیاد رودکی، دفتر موسیقی و معاونت هنری و مجموعه وزارت ارشاد هیچ دخلی به رهبر ارکستر و زیرمجموعه آن نداشته باشد.

۶- عدم دخالت در کار رهبر ارکستر و زیرمجموعه‌ها چه از مجموعه وزارت ارشاد و بنیاد رودکی چه از محافل بیرون و نفارت مشورت‌دهنده و یا زیرمجموعه.

در غیر این صورت هر تصمیمی که بنیاد رودکی و مدیران زیرمجموعه معاونت هنری وزارت ارشاد برای ارکسترها بگیرند تنها از روی بی‌کفایتی جهت شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت و به شیوه انجام باری به هر جهت خواهد بود نه حل مسائل گسترده و دامنه‌دار ارکسترها که از سال‌ها پیش تاکنون با آن دست به گریبان‌اند.

رهبر ارکستر شوند. این مشکل نیز از فقدان نظام و ساختار ارکستر دلالت دارد.

کشت باد و برداشت توفان

شهرداد روحانی زمانی که در بهار سال ۹۵ به تحریک عده‌ای که همگی می‌دانیم چه کسانی بودند و البته در دوران پر تباهی معاونت هنری وقت علی مرادخانی به شب‌نامه نویسی علیه علی رهبری پرداخت و به وزیر ارشاد نامه‌ای سخیف و سراسر توهین نوشت تا بلکه با این شیوه علی رهبری را از جایگاه رهبری ارکستر سمفونیک تهران پایین بکشد و از چشم‌ها بیندازد و خود بر صندلی او بنشیند؛ آیا نمی‌دانست که دارد باد می‌کارد؟ او حالا چنان زشت به تمسخر گرفته‌شده و از صندلی رهبری ارکستر سمفونیک تهران که به‌ناحق و توسط مدیران وقت دولتی بر آن نشسته بود کنار رفته که می‌گویند فرار کرده است. خود کرده را تدبیر نیست آقای روحانی. لطفاً اکنون توفان درو کنید و از همان دست که داده‌اید از همان دست نیز بگیرید.

تحمیل خفت و ناامیدی به اهالی موسیقی

تحمیل خفت پنجشنبه‌شب به جامعه موسیقی ماحصل آن تصمیمی بود که معاونت هنری وقت در کنار گذاشتن علی رهبری از رأس امور فنی و هنری ارکستر سمفونیک در سال ۹۵ گرفت و شورایی را خودخواسته به ارکستر سمفونیک تهران تحمیل کرد تا برنامه‌های هنری آن را بررسی کند! کسانی که سابقه نوازندگی ساز کمانچه، آواز ایرانی و موسیقی پاپ داشتند باید در تصمیمات و کارهای علی رهبری با آن دانش و تجربه بی‌رقیب بین‌المللی در حوزه رهبری موسیقی کلاسیک، نظر فنی جهت تأیید می‌دادند. هر چند که همگی می‌دانیم این شورایی آچمز و مأیوس کردن علی رهبری تشکیل شد و بعد از آن دیگر هرگز نامی از آن به میان نیامد. اما این شیوه مدیریت همان بالادست ساختن نالایق‌ها بر اهل فن بود. همان شیوه معروفی که به شیوه آقا محمدخان قاجار پهلوزده و اکنون نتیجه شورای تحمیلی به ارکستر سمفونیک علی رهبری ظاهر شده است. ناکارآمدی و بی‌لیاقتی مدیران، علاوه بر تحمیل خفت و ناامیدی رهبر را زیر سوال برد آن هنگام که بدون حضور رهبر پارت دوم را اجرا کردند. ضمن آنکه برای مخاطبان نیز با مدل فیک ارکستر سمفونیک روبرو شدند و اجرایی غیر حرفه‌ای را تماشا کردند.

نبودن یک مدیر تصمیم گیرنده در زمان حادثه در زمان اتفاق گویا هیچ مدیر صاحب‌منصب کار بلدی در سالن حضور نداشته که مانع ادامه اجرای برنامه به علت زشتی اتفاقات رخ داده شود. مدیری که برای موسیقی حرمت بگذارد و به مخاطب و نوازندگان ارکستر هم اهمیتی فوق‌العاده بدهد. که اگر چنین وجودی در آن شب در صحنه حاضر نبود به احترام به مخاطب و نوازندگان و رهبر قبلی ارکستر دستور به تعطیلی اجرا می‌داد و مخاطبان را به نمایش موسیقی کلاسیک وادار نمی‌کرد و بر نامه محترمانه ادامه نمی‌یافت. نه اینکه کنسرت مایستر حرفی بزنند و بعد وادار به اجرا بدون

فکر اساسی

اقدام‌های فوری و کوتاه‌مدت چاره کار نیست. اقدام فوری بنیاد رودکی در جایگزینی اجرای یکشنبه ششم بهمن‌ماه به رهبری بردیا کیارس، بیشتر از آنکه کاری برای درست کردن اشتباهات و خطاهای غیر قابل‌جبران گذشته باشد اشتباه دیگری بر آنها می‌افزاید. بنیاد رودکی باید برای رهایی از مخمصه ارکسترها فکر اساسی کند و به دنبال داروی مسکن کوتاه‌مدت نرود. فکر اساسی اراده و عزم جدی برای ساختن ارکستر

دیگر ماجرای زشت آنچه در اجرای ارکستر سمفونیک تهران در شامگاه سوم بهمن در تالار وحدت روی داده هر چند هنوز تازه است، اما نیازی به تعریف مجدد ندارد. چرا که نه تنها بر ناامیدی می‌افزاید بلکه انتقال‌دهنده‌انزجار نیز هست. انزجار از سقوط اخلاق آن هم بر صحنه اجرای موسیقی جدی. اما این اتفاق عجیب و بهت‌برانگیز نیاز به واشکافی و بررسی مجددی دارد تا چنانچه مدیران زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد می‌خواهند تغییری در شرایط ارکسترها ایجاد کنند به آن بیندیشند و به این موارد دقت کنند و البته علاقه‌مندان ارکستر سمفونیک تهران نیز ریشه‌های آن را شناخته و تغییرات جدیدی را که مدیران بنیاد رودکی ضمن عذرخواهی از رویداد حادث‌شده وعده آن را داده‌اند بهتر ارزیابی کنند که تا چه میزان می‌تواند محقق شود.



آبادرس عبرتی خواهد شد؟

آن روزی که شورای ارکسترها به انتخاب معاونت هنری وقت در اردیبهشت سال ۹۵ بدون رضایت مدیر هنری و رهبر ارکسترهای ملی و سمفونیک تهران انتخاب و در رأس تصمیم‌گیری بنابه درخواست معاونت هنری وقت دخالت داده شدند به هویت فنی و مستقل ارکسترهای ایران شلیک شد و رهبران هر دو ارکستر با حالت قهر ناشی از بی‌احترامی از ارکسترها رفته و استعفا کردند؛ همان روز می‌شد تصور کرد که این تن‌زخمی بعد از چند روز زمین‌بیافتد. حالا همان روز است. ارکستر ملی که از ابتدای سال ۹۸ هیچ فعالیت جدی‌ای نداشته و بدون رهبر مانده و حالا ارکستر سمفونیک تهران نیز به روزگار رهبر اجاره‌ای رسیده. این ماجرا نشان داد که دامنه اشتباهات به هم زنجیر شده و پیوسته است و از آنچه در گذشته صورت گرفته تا امروز بر اساس اشتباهات مدیران ناکارآمد بوده و بس. آیا این اتفاق فضاحت‌بار درس عبرتی خواهد شد تا یک‌بار برای همیشه فکری اساسی برای ساختن دوارکستر شود و پایان ارکسترداری با این شیوه کج‌دار و مرز نباشد؟

اشتباه بزرگ: اجرای بدون رهبر هنگامی که سخن از نداشتن ساخت و نظام ارکستر در ایران می‌شود برخی انگشت حیرت از تفاوت آنچه باید باشد با آنچه فعلاً هست به دهان می‌گیرند

منوچهر صهبایی را به‌عنوان رهبر جایگزین ارکستر سمفونیک تهران به‌جای شهرداد روحانی برای برنامه دو شب کنسرت در تاریخ سوم و ششم بهمن‌ماه اعلام کرد، آیا سوابق صهبایی را نیز در نظر داشت؟ و یا فراموش کرده بود که ارکستر سمفونیک تهران را به چه خفت و آبروبریزی در اجراهای اروپا در بهار سال ۸۸ انداخته بود؟

همان وقایعی که باعث تعطیل شدن ارکستر سمفونیک تهران در دولت دهم شد. از این رو انتخاب منوچهر صهبایی توسط بنیاد رودکی از ابتدا اشتباه بوده است و می‌بایست مدیر عامل بنیاد رودکی بیش از همه برای بی‌حرمتی و تنش‌ی که ایجاد شده است عذرخواه باشد و برای همیشه نام شهرداد روحانی و منوچهر صهبایی را از رهبری ارکسترها خط‌بزند. چرا که این دو نشان دادند که نه تنها سابقه‌ای در خارج از کشور برای رهبری ارکستر سمفونیک معتبری نداشته‌اند بلکه صلاحیت اخلاقی آنها نیز همانند سوابقشان قابل‌اعتنا نیست. در حقیقت انتخاب هر دو آنهایی حرمتی به موزیسین‌های خبره کشورمان و اهالی موسیقی جدی بوده و هست.

فرصت تصمیم‌گیری برای ادغام هر دوارکستر

حالا با آنچه روی داد و از آنجایی که احتمال قریب به یقین دیگر، شهرداد روحانی چه به دلیل مسائل ناگفته چه به لحاظ بیماری از ایران رفته باشد به ارکستر سمفونیک تهران باز نخواهد گشت فرصت خوبی است که برای این ارکستر به همراه ارکستر ملی که در ۱۰ ماه گذشته به‌لاتکلیف و بدون رهبر بوده تصمیم‌گیری عاجلی شود، تصمیمی برای ادغام هر دو ارکستر در یک ارکستر به نام ارکستر سمفونیک ملی ایران. پیشنهادی که علی رهبری

هنگامی که مرزهای بی‌اخلاقی و بی‌حرمتی در نور دیده شد چه می‌توان کرد چه می‌توان گفت؟ بلافاصله اعلام تأثر و عذرخواهی و برائت‌جستن، نیاز جدی برای کاستن از حاشیه بحران مواقع است؛ اما در مواجهه با شکستن قبح مرزهای اخلاقی فرورخته چه باید کرد؟ و آیا می‌توان آب‌رفته را به جوی بازگرداند؟ و پرسش مهم‌تر آن است که چرا باید به‌جایی برسیم که با چنین مواردی مواجه شویم؟ آیا آنچه به تلخی رفته، ماحصل چندین و چند سال ارکسترداری با سیاست فعلی رهبران مهمان و هزینه‌نگردن برای ارکسترها نیست؟ آیا این همان عاقبت نساختن ارکسترها و عقب‌نگه‌داشتن ارکستر سمفونیک تهران، متعلق به تمام ایران، از اشل جهانی آن نیست؟

مصلحتی که تنش ساخت

چه صحبت‌های منوچهر صهبایی در خصوص دلایل از ایران رفتن شهرداد روحانی واقعیت داشته باشد چه نداشته باشد، ما را به این فکر فرو می‌برد که اگر آنچه تنش‌آفرید حقیقت دارد چرا با مصلحت‌سنجی،

چیز دیگری به‌صورت رسمی اعلام شده است؟ و اگر حقیقت ندارد چرا جلویان چنین سخنان هزری که در تمرینات نیز گفته شده همان ابتدا گرفته نشده است؟ و اگر حقیقت دارد در برابر دروغ‌گویی‌ها چه باید گفت و چه واکنشی باید داشت؟ آیا این تحمیل شرایط ناامیدی به مخاطب آچمز شده موسیقی کلاسیک ایران نیست؟

چرا گزیدگی دوباره از یک سوراخ؟

هنگامی که بنیاد رودکی نام



بینا یاری